

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا .

ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است و درود و سلام خدا، سلامی کامل، بر سرور ما محمد، پیامبرش و اهل بیت او.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

خدایا تو را ستایش، بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره اولیای، آنان که تنها برای خود

و دینت برگزیدی، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

و دینت برگزیدی، آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباہی و

اضمحلال، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَزَخْرَفَهَا

ناپودی ندارد، پس از آنکه بی میل بودن نسبت به رتبه‌های این دنیای فرومایه و زیب

و زینبرجها، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ

و زیورش را با آنان شرط نمودی، آنان هر آن شرط را از تو پذیرفتند و تو هم وفا نمودی به آن را از جانب آنان دانستی، پس قبولشان کردی و مقرب درگاهشان

لَهُمُ الذِّكْرُ الْعَلِيِّ وَالشَّانَاءُ الْجَلِيَّ ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ ، وَكَرَّمْتَهُمُ بَوْحِيكَ ، وَ

نمودی و برای آنان یاد والا و شای روشن پیش آوردی و فرشتگان را بر آن‌ها فرو فرستادی و به وحیات اکرامشان فرمودی و

رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ ، وَالْوَسِيْلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ

به دانشت به آنان عطا کردی، و ایشان را دست‌آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودیت قرار دادی، پس بعضی را در

جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِّكَ ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ أَمَّنَ مَعَهُ مِنْ

بهشت جای دادی تا آنکه از آنجا بیرونش آوردی و بعضی را در کشتی خود حمل نمودی و او را و هر که همراه او ایمان آورده بود

الْهَلَكَةَ بِرَحْمَتِكَ ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيْلًا ، وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

به رحمتت از هلاک شدن نجات دادی و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی و از تو درخواست نام نیک، در میان آیندگان کردی و تو درخواست او را

فَأَجَبْتَهُ ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا ، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيْمًا ، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ

اجابت نمودی و نامش را بلند آوازه کردی و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی خاص و برای او برادرش

رِذَاءً وَوَزِيْرًا ، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ ، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ ،

را یاور و وزیر قرار دادی و بعضی را بدون پدر به وجود آوردی و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را تأیید نمودی

وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا ، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ

و برای همه آنان شریعت مقرر کردی و راه را روشن و واضح ساختی و جانشینانی اختیار کردی،

مُسْتَحْفِظٍ ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ ، إِقَامَةً لِدِينِكَ ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

نگهبانی پس از نگاهبان، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپاداشتن دینت و حجتی بر بندگانت

**وَلَيْلًا يُزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ**  
 برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود و باطل بر اهل حق پیروز نگردد و احدی نگوید چه می‌شد اگر برای ما  
**إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا ، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَ وَنَخْرَى ، إِلَى**  
 پیامبری بیاورده‌اند می‌فرستادی و پرچم هدایت برای ما بر پای نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می‌کردیم، پیش از آنکه خوار و رسوا شویم تا اینکه  
**أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَكَانَ كَمَا**  
 مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده‌ات محمد (درود خدا بر او و خاندانش) رساندی پس بود همان‌گونه که  
**انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ ، وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ ، وَأَكْرَمَ مَنْ**  
 او را برگزیدی، سرور مخلوقات و برگزیده برگزیدگان و برترین انتخاب شدگان و گرامی‌ترین  
**اعْتَمَدْتَهُ ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ**  
 معتمدت، او را بر پیامبرانت مقدم نمودی و بر جن و انس از بندگانت برانگیختی و مشرق‌ها  
**وَمَغَارِبَكَ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ ، وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَاوِكَ ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ**  
 و مغرب‌هايت را زیر پایش کنتردی و براق را برایش مسخر ساختی و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده  
**وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ**  
 و خواهد بود تا سبزی شدن آفرینش را به او سپردی، سپس او را با فروانگشتن هراس در دل دشمن یاری دادی و به جبرائیل و میکائیل  
**وَالْمُسُومِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظَهِّرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**  
 و نشان‌داران از فرشتگانت قرار گرفتی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دین‌ها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید  
**، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ؛ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ**  
 و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلیت جایش دادی، و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد  
**لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ**  
 که در مکه است، خانه بابرکت و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه‌های آشکاری است، مقام ابراهیم و هر که وارد آن شد،  
**آمِنًا ، وَقُلْتَ : ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾**  
 در امان بود و در حق آنان فرمودی، جز این نیست که خدا اراده فرموده، پلیدی را از شما خانواده ببرد و شما را پاک گرداند، پاک‌کردنی شایسته،  
**، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ ، فَقُلْتَ : ﴿قُلْ**  
 سپس پادشاه محمد را در قرآنت مودت اهل‌بیت او قرار دادی و فرمودی، بگو  
**لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ ، وَقُلْتَ : ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ**  
 من از شما برای رسالت پادشاهی جز مودت نزدیکانه نمی‌خواهم و فرمودی، آنچه به عنوان پادشاه از شما خواستم، آن هم  
**لَكُمْ﴾ ، وَقُلْتَ : ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛**  
 به سود شمامت و فرمودی، من از شما برای رسالت پادشاهی نمی‌خواهم، جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد،

فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَهُ وَلِيَّهُ  
 پس آنان راه به سوی تو بودند و راه به حرم خشنودیت، آنگاه که روزگار آن حضرت سپری شد، نماینده‌اش  
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا ، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ ،  
 علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان باد) را، برای راهنمایی و هدایت هر قوم و رهبری  
 فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ،  
 پس درحالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود: هر که من سر پرست او بودم، پس علی سر پرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست  
 وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَقَالَ : مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ  
 دارد و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار کن هر که او را واکنارد و فرمود: هر که من پیامبرش بودم،  
 فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ ، وَقَالَ : أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ ، وَأَحَلَّهُ  
 پس علی فرمانروای اوست و فرمود: من و علی از یک درخت هستیم و سایر مردم از درخت‌های گوناگون‌اند و جایگاه او را نسبت به خود همچون  
 مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فَقَالَ لَهُ : أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنْبِيَّ  
 جایگاه هارون به موسی قرار داد و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست  
 بَعْدِي ، وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ  
 و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد و از مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال بود و  
 سَدَّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَهُ ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ ؛ فَقَالَ : أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا  
 همه درهایی را که به مسجد باز می‌شد بست مگر درخانیه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد، و فرمود: من شهر علم و علی در آن شهر است،  
 ، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ : أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَارِثِي ،  
 پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند، باید از در آن وارد شود، سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی،  
 لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي ، وَدَمِكَ مِنْ دَمِي ، وَسَلْمُكَ سَلْمِي ، وَحَرْبُكَ حَرْبِي ، وَالْإِيمَانُ  
 گوشتت از گوشت من و خونت از خون من و آشتی با تو، آشتی با من و جنگ با تو، جنگ با من است و ایمان  
 مُخَالِطٌ لِحَمِّكَ وَدَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي ، وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي ، وَأَنْتَ  
 با گوشت و خونت آمیخته شده، چنان‌که با گوشت و خون من درآمیخته و تو  
 تَقْضِي دَيْنِي ، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي ، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي  
 فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی و تو قرضه را می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند، در  
 الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي ، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى  
 حالی که روشن‌شان سپید و در بهشت پیرامون من و همسایگان منند و اگر تو ای علی نبودی، اهل ایمان پس از من شناخته نمی‌شدند  
 مِنَ الضَّلَالِ ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى ، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ؛  
 و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی و نور از نابینایی و ریسمان استوار خنیا و راه راست او بود،

**لَا يُسَبِّقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحِمٍ ، وَلَا بِسَابِقَةِ فِي دِينٍ ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ ،**  
 با نزدیکی اش در خویشاوندی به رسول خدا کسی بر او پیشی نگرفت و همچنین با سابقه اش در دین کسی بر او مقدم نبود و در فضیلت از فضائل هیچ کس  
**يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَاللَّهِمَا ، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوَلُّبِ ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ**  
 به او نرسید. کار پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) را بی گرفت و بر اساس تاولب قرآن جنگ می کرد و درباره خدا  
**لَوْمَةٌ لَائِمٌ ، قَدْ وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدُ الْعَرَبِ ، وَقَتْلُ أَبْطَالِهِمْ ، وَنَاوَشَ ذُؤَابَانَهُمْ ، فَأَوْدَعَ**  
 سرزنش هیچ سرزنش کنندهای را به خود نمی گرفت. خون شجاعان عرب را. در راه خرابه زمین ریخت و دلاوریانشان را از دم تیغ گذراند و با گرگانشان  
**قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ ، فَأَضَبَّتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ ، وَأَكَبَّتْ**  
 در افتاد. پس به دل‌هایشان کینه سپرد. کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها را. پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ  
**عَلَى مُنَابَذَتِهِ ، حَتَّى قَتَلَ النَّاسِكِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ**  
 یا او رو آوردند تا پیمان شکنان و جفاپیشگان و خارج شدگان از دایره دین را کشت و هنگامی که درگذشت و او را  
**أَشَقَى الْأَخْرَيْنَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي**  
 بدبخت‌ترین پسینیان که از بدبخت‌ترین پیشینیان کرد. به قتل رساند. دستور رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) درباره  
**الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ ، وَالْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ ، وَ**  
 هدایت کنندگان از پس هدایت کنندگان [امامان بعد از پیامبر] اطاعت نشد و امت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند و برای قطع رحم او و  
**إِقْصَاءِ وُلْدِهِ ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ؛ فَقَتَلَ مَنْ قَتَلَ ، وَ**  
 تبعید فرزندانش کردند. مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق درباره ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند. پس کشته شد آنکه کشته شد و  
**سَبَى مَنْ سَبَى ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حَسَنُ الْمُثُوبَةِ ،**  
 اسیر گشت آنکه اسیر گشت و تبعید شد آنکه تبعید شد و قضا بر آنان جاری شد به آنچه بر آن امید پادشاه نیک می رود.  
**إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، ﴿وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ**  
 زیرا زمین از خداست. آن را به هر که از بندگانش بخواهد به ارث می دهد و سرانجام از آن پرهیزگاران است و منزه است پروردگار ما که به یقین  
**كَانَ وَعَدْرَبْنَا لَمَفْعُولًا﴾ ، وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ**  
 وعده پروردگارمان انجام شدنی است و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی کند و او نیرومند حکیم است. پس بر پاکیزگان  
**مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَاللَّهِمَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ ، وَإِيَّاهُمْ**  
 از اهل بیت محمد و علی (گرود خدا بر ایشان و خاندانشان). باید گریه کنندگان بگریند و  
**فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ ، وَيَضِجْ**  
 زاری کنندگان بر ایشان زاری کنند و برای مانند آنان باید اشکها روان شود و فریادکنندگان فریاد زنند و شیون کنندگان  
**الضَّاجُونَ ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ ، أَيْنَ الْحَسَنُ ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ ؟**  
 شیون کنند و خروشدگان بخروشدند. حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجايند؟

**صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ ؛ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ**  
 شایسته‌ای پس از شایسته دیگر، راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟ کجاست بهترین برگزیده بعد از  
**الْخَيْرَةِ ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ ؟ أَيْنَ الأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ ؟ أَيْنَ الأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ ؟ أَيْنَ**  
 بهترین برگزیده؟ کجاست خورشیدهای تابان، کجاست ماه‌های نورافشان، کجاست ستارگان فراوان، کجاست  
**أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ ؟ أَيْنَ الْمُعَدُّ**  
 پرچم‌های دین و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مها کشته  
**لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ ؟ أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الأُمَّتِ وَالْعِوَجُ ؟ أَيْنَ الْمُرتَبِحُ لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ**  
 برای ریشه‌کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و  
**وَالْعُدْوَانِ ؟ أَيْنَ المُدْخِرُ لِتَجْدِيدِ الفَرَايِضِ وَالسَّنَنِ ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ**  
 دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنت‌ها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین  
**وَالشَّرِيعَةِ ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ ؟**  
 و شرعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیایگر نشانه‌های دین و اهل دین،  
**أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ؟ أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَالنِّفَاقِ ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ**  
 کجاست درهم‌شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل  
**الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الغَيِّ وَالشَّقَاقِ ؛ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ**  
 فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و تکلف‌اندازی، کجاست محوکننده آثار  
**الزَّبَعِ وَالْأَهْوَاءِ ؟ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَةِ ؟ أَيْنَ**  
 انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دام‌های دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست  
**مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ ؟ أَيْنَ مُعْزُّ الأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الأَعْدَاءِ ؟ أَيْنَ**  
 ریشه‌کن‌کننده اهل لجajt و گمراهی و بی‌دینی، کجاست عزت‌بخش دوستان و خوارکننده دشمنان، کجاست  
**جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى ؟ أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى ؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ**  
 گردآورنده سخن بر پایه تقوا، کجاست در راه خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا که  
**يَتَوَجَّهُ الأَوْلِيَاءُ ؟ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ؟ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ**  
 دوستان به سویش روی آوردند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان، کجاست صاحب روز  
**الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى ؟ أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا ؛**  
 پیروزی و گسترنده پرچم هدایت، کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا،  
**أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الأَنْبِيَاءِ ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ ؟**  
 کجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهنده خون کشته در کربلا ؟

**أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟** **أَيْنَ الْمُضْطَّرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟** **أَيْنَ**  
 کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد، کجاست آن مضطری که اجابت شود هنگامی که دعا کند، کجاست  
**صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؟** **أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى،** **وَابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى،** **وَابْنُ**  
 سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا، کجاست فرزند پیامبر برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند  
**خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ،** **وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟** **بِأَيِّ أَنْتِ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى،** **يَا**  
 خدیجه روشن جبین و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادر و جانم فردایت شود، برایت سیر و حصار باشم، ای  
**ابْنِ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ،** **يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ،** **يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ،** **يَا ابْنَ**  
 فرزند سروان مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند  
**الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ،** **يَا ابْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ،** **يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ،** **يَا ابْنَ**  
 برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند  
**الْخُضْرَمَةِ الْمُنتَجِبِينَ،** **يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ،** **يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ،** **يَا ابْنَ**  
 بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریاهاى بی کران بخشش گرامی تر، ای فرزند ماهای نورافشان، ای فرزند  
**السُّرْجِ الْمُضِيئَةِ،** **يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّقِيبَةِ،** **يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ؛** **يَا ابْنَ السُّبُلِ**  
 چراغهای تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان، ای فرزند راههای  
**الْوَاضِحَةِ،** **يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ،** **يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ،** **يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ**  
 روشن، ای فرزند نشانه‌های آشکار، ای فرزند دانش‌های کامل، ای فرزند آیین‌های مشهور  
**،** **يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ،** **يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ،** **يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ،**  
 ، ای فرزند نشانه‌های حفظ شده، ای معجزات موجود، ای فرزند دلایل‌های محسوس،  
**يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ،** **يَا ابْنَ التَّبَا الْعَظِيمِ،** **يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَدَى**  
 ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که در امر کتاب، نزد  
**اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ،** **يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،** **يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ،** **يَا ابْنَ**  
 خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات و نشانه‌ها، ای فرزند دلایل‌های آشکار، ای فرزند  
**الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ،** **يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ،** **يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ،**  
 برهان‌های نمایان، ای فرزند حجّت‌های رسا، ای فرزند نعمت‌های کامل،  
**يَا ابْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ؛** **يَا ابْنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ،** **يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ،** **يَا ابْنَ مَنْ**  
 ای فرزند طه و آیات محکم، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که  
**دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنْ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى**  
 نزدیک شد، آنگاه درآویخت تا آنکه در دسترس و نزدیکی به خدای علی اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود

**لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى؟ بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى؟ أَيْرِضْوَى أَوْ**  
 ای کاش می‌دانستم خانه‌ات در کجا قرار گرفته، بلکه می‌دانستم کدام زمین تو را برداشته یا چه خاصی؟ آیا در کوه رضوای یا  
**غَيْرِهَا أَمْ ذِي طَوَى؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا**  
 در غیر آن، یا در زمین ذی طوای؟ بر من سخت است که مردم را ببینم، ولی تو دیده نمی‌شوی و از تو نمی‌شنوم صدای محسوسی و نه  
**نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُوِيَّ الْبَلْوَى وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي صَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى،**  
 راز و نیاز، بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فراگیرد و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد،  
**بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ**  
 جانم فلایت، تو پنهان شده‌ای هستی که از میان ما بیرون نبستی، جانم فلایت، تو دوری هستی که از ما دور نیست، جانم فلایت، تو  
**أَمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ**  
 آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق تاله کنند، جانم فلایت، تو قرین عزتی  
**لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمَ لَا تُضَاهِي**  
 که کسی بر او برتری نگیرد، جانم فلایت، تو درخت ریشه‌دار مجدی که هر طرازی نپذیرد، جانم فلایت، تو نعمت دیرینه‌ای که او را ماندنی نیست،  
**بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مُؤَلَايَ وَإِلَى مَتَى؟**  
 جانم فلایت، تو قرین شرفی که وی را برابری نیست، تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم و تا چه زمان  
**وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيَّ نَجْوَى؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ**  
 و با کدام بیان، تو را وصف کنم و با چه راز و نیازی؟ بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم و سخن مسرت بخش بشنوم، بر من سخت  
**أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ**  
 است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را واگذارند، بر من سخت است که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا  
**مُعِينٍ فَاطِيلٍ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَالْبُكَاءُ؟ هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَاسَاعَدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟**  
 کمک کننده‌ای هست که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کند؟ آیا بی‌تای هست که او را در بی‌تای باش. هنگامی که خلوت کند یاری رسانم؟  
**هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى؛ هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى؟**  
 آیا چشمت هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند؟ آیا به جانب تو ای پسر احمد راهی هست تا ملاقات  
**هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَةَ فَنَحْطُ؟ مَتَى نَرُدُّ مِنْهَا لَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ**  
 شوی، آیا روز ما به تو با وعده‌ای در می‌پیوندد تا بهره‌مند گردیم، چه زمان به چشمه‌های پر آب تو می‌شویم تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل  
**مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتُنَقِّرَ عَيْنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَ**  
 خوشگوارت بهره‌مند می‌شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می‌کنیم تا دیده از این کار روشن کنیم، چه زمان ما را می‌بینی و  
**نَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِي وَاءَ النَّصْرِ تَرَى أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا**  
 ما تو را می‌بینیم، درحالی که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی

**وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا ، وَأَبْرَتَ الْعُتَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ ، وَفَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ**  
 و دشمنان را خواری و کفر چشاندی و متکبران و منکران حق را نابود کردی و ریشه سرکشان را قطع نمودی  
**، وَاجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَنَحْنُ نَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ اللَّهُمَّ أَنْتَ**  
 و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای تا ما بگوئیم: ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است. خدایا تو  
**كشَافُ الْكُرْبِ وَالْبَلَوَى ، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى ، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ**  
 برطرف کننده سختی‌ها و حوادث ناخواری، از تو یاری می‌طلبم که یاری و کمک تنها نزد توست و تو پروردگار آخرت  
**وَالدُّنْيَا ، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيْثِينَ عِبْدَكَ الْمُبْتَلَى ، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقَوَى ،**  
 و دنیای، پس ای فریادرس درماندگان، به فریاد بنده کوچک گرفتارتر برس و سرورش را به او نشان بده، ای صاحب نیروهای شگرف و به دیلار  
**وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى ، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ، وَمَنْ إِلَيْهِ**  
 سرورش، اندوه و سوز دل را از او بزداي و آتش تشنگی‌اش را خاموش کن، ای که بر عرش چیره‌ای و  
**الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى . اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَ لَيْكَ الْمُدْكِرِبُكَ وَبِنَبِيِّكَ ،**  
 بازگشت و سرانجام به سوی اوست، خدایا، ما بندگان به شدت مشتاق به سوی ولی تو هستیم، آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد  
**خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا ، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا ، وَجَعَلْتَهُ لِّلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا ،**  
 و تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی و او را قوم و امان ما قرار دادی و او را پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی،  
**فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا ، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا**  
 از جانب ما به او تحیت و سلام برسان و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بفرما، و جایگاه او را، جایگاه  
**وَمُقَامًا ، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَانًا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ**  
 و اقامتگاه ما قرار ده و نعمت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان تا ما را وارد بهشت‌هایت نماید و به هرنشینی شهیدان  
**مِنْ خُلَصَائِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ**  
 از بندگان خالصت نائل نماید. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و درود فرست بر محمد جد او و رسولت، آن  
**السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ**  
 سرور بزرگتر و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر و بر جدش صدیقه کبری، فاطمه دختر  
**مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةَ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ**  
 محمد و بر کسانی که برگزیدی، از پدران نیکوکارش و بر خودش، برترین و کامل‌ترین  
**وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ؛**  
 و تمام‌ترین و بادوام‌ترین و بیشترین و فراوان‌ترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و انتخاب‌شدگان از میان آفریدگانت فرستادی،  
**وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَاغَايَةَ لِعَدِّهَا ، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدِّهَا ، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا**  
 و بر او درود فرست، درودی که پایانی برای عدسش و نهایتی برای مدتش و به آخر رسیدنی برای زمانش نباشد،



اللَّهُمَّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ ، وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ ، وَأَذِلِّ بِهِ أَعْدَاءَكَ ،

خدایا حق را به وسیله او بر پا دار و باطل را به او نابود کن و دوستان را به سبب آن جناب به دولت برسان و دشمنان را به دست او خوار گردان

وَصِلْ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَاقَقَةِ سَلَفِهِ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

و پیوندد خدایا بین ما و او، پیوندی که ما را به رفاقت کَنَشْتگان او برساند و ما را از آفتان قرار ده که به دامان

بِحُجْرَتِهِمْ ، وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ ، وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ ،

عنایتشان چنگ زند و در سایه لطفشان اقامت کنند و ما را بر پرداخت حقوقش و کوشش در فرمانبرداریش

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ، وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا

و دوری از نافرمانیاش کمک کن و بر ما به خشنودیاش منت نه و رأفت و رحمت و دعای خیر آن حضرت را به ما ببخش تا حدی

نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبَنَا بِهِ

که به سبب آن به رحمت گستردهات و رستگاری در پیشگاهت برسیم، خدایا به وسیله او نمازمان را پذیرفته و گناهانمان را

مَغْفُورَةً ، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً ؛ وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَهَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً ،

آمرزیده و دعاهايمان را مستجاب گردان، خدایا روزی‌هایمان را به سبب او گسترده و اندوهمان را برطرف شده

وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا

و حاجت‌هایمان را برآورده فرما و به جانب ما به جلوه کریمت روی آور و تقریبمان را به سویت بپذیر و به ما نظر کن

نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَاسْقِنَا مِنْ

نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو، به وسیله آن نظر به کمال برسانیم و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما بگیرد و از حوض

حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سَائِغاً لَا ظَمّاً بَعْدَهُ ، يَا

جَدِّش (درود خدا بر او و خاندانش) با جام او به دست او، سیرابمان کن، سیراب‌شدنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی نباشد،

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ای مهربان‌ترین مهربانان.

منبع: مفاتیح الجنان